

دسترسی شهرداری تهران به بازارهای مالی و منابع استقراری بهروز هادی زنون ص ۶

در دنیای امروز دولت‌ها با درک محدودیت‌های تمرکز اداری، ارائه بسیاری از خدمات عمومی را از طریق عدم‌تمرکز به دولت‌های استانی و محلی واگذار کرده‌اند و یا در موارد ممکن در جهت خصوصی‌سازی و جلب سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی به بخش خدمات شهری گام برمی‌دارند. در دوره بعد از انقلاب، در ایران تقاضا برای خدمات شهری به دلیل رشد سریع جمعیت شهرها، در مقیاس بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. تقاضا برای خدمات شهری در آینده قابل پیش‌بینی به دلیل رشد جمعیت شهرها - ولو با آهنگی کندتر از گذشته - افزایش درآمد سرانه شهروندان و واگذاری وظایف بیشتر برعهده شهرداری‌ها انتظار می‌رود سیر صعودی بپیماید. همان‌طور که می‌دانیم، واگذاری وظایف دولت به شهرداری‌ها در ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم و بند ب ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم پیش‌بینی شده بود، گرچه اجرای این سیاست در عمل با کندی همراه بود اما انتظار می‌رود نارسایی‌های تمرکز اداری، دولت را ناگزیر سازد که در این جهت گام‌های استوارتری بردارد. رشد سریع جمعیت شهری کشور همراه با واگذاری برخی از وظایف دولت به شهرداری‌ها، موجب افزایش شدید نیازهای مالی شهرداری‌ها خواهد شد، هر چند دولت وعده داده که همراه با واگذاری برخی از وظایف خود به شهرداری‌ها، بودجه مورد نیاز برای انجام این وظایف را پیش‌بینی نموده و به شهرداری‌ها اختصاص دهد، اما ناگفته پیداست که دولت مرکزی از حیث تامین منابع بودجه خود در مضیقه است و به دلیل محدودیت‌های مالی، در عمل نخواهد توانست در حد لازم منابع بخش عمومی را به هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای شهرداری‌ها تخصیص دهد. شکاف رو به تزاید میان منابع درآمد و مخارج شهرداری‌ها هم‌اکنون نیز تعدادی از شهرداری‌های شهرهای کوچک و بزرگ کشور را در وضعیت دشواری قرار داده است، به همین دلیل انتظار نمی‌رود پرداخت‌های مالی دولت به شهرداری‌ها به تنهایی بتواند این شکاف مالی را پر کند. از این‌رو، روی آوردن شهرداری‌ها به بازارهای مالی به منظور تجهیز منابع مالی در آینده بیش از گذشته ضرورت داشته و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در پروژه‌های بزرگ عمران شهری که دوران بهره‌برداری طولانی دارند و نسل‌های مختلف از مزایای آن‌ها برخوردار می‌شوند، دلیلی ندارد که نسل حاضر بار مالی این پروژه‌ها را به تنهایی بردوش کشد. این پروژه‌ها افزون بر این، گاه چنان بزرگ و سرمایه‌برند که تامین مالی آن‌ها از محل منابع پایدار درآمدی شهرداری به صورت نقدی امکان‌پذیر نیست. در این موارد شهرداری‌ها بهتر است با روی آوردن به بازارهای مالی، نسبت به تهیه منابع استقراری و تامین مالی پروژه‌ها اقدام کنند. متأسفانه در ایران به دلیل توسعه نیافتگی بازارهای مالی از یکسو و فقدان بستر مناسب نهادی و قانونی لازم در این حوزه، شهرداری‌ها تا کنون قادر به بهره‌گیری مناسب از امکانات بازارهای مالی نبوده‌اند. در این مقاله، ابتدا به‌طور اجمالی اصول و مفاهیم رایج در بازارهای مالی تشریح شده، سپس سابقه و وضعیت موجود نهادهای مالی تخصصی و بسترهای قانونی استقراری شهرداری‌ها ارزیابی خواهد شد. در بخش سوم به عملکرد شهرداری تهران در زمینه استقراری از بازارهای مالی اشاره خواهد شد و نارسایی‌های وضع موجود بررسی می‌گردد. در بخش پایانی نیز به ارائه راهبردها و سیاست‌های مناسب در زمینه ایجاد بسترهای نهادی و قانونی لازم همچنین بهبود ارزش اعتباری شهرداری خواهیم پرداخت.

چشم‌انداز درآمدی طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران (طرح تراز مالی)

نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران ص ۳۶

مالیات برنامه‌ریزی شهری در ایران در سال‌های اخیر با تمامی کاستی‌هایی که در فرایند اجرای برنامه‌ها وجود دارد، شکل گرفته و در حال حاضر کمتر شهری را می‌توان یافت که دارای طرح جامع یا تفصیلی نباشد؛ اما یکی از چالش‌های اساسی پیش‌روی همه این طرح‌ها را می‌توان ضعف در تامین منابع لازم جهت اجرای این طرح‌ها دانست. با اینکه در طرح‌های جامع عموماً به بررسی ساختار مالی و توان مالی مدیریت شهری برای اجرای طرح پرداخته می‌شود، اما این مطالعات، پاسخگوی نیاز اطلاعاتی مدیران شهری نبوده و مدیریت شهری همواره با مسأله کمبود منابع و در بسیاری از موارد کارایی پایین در تخصیص منابع مواجه است. با توجه به این مسایل، تهیه برنامه‌های پشتیبان طرح‌های جامع که بتواند با اصلاح ساختار مالی شهری در جهت مدیریت منابع لازم جهت اجرای طرح مذکور برآید، از الزامات تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری می‌باشد.

تامین مالی طرح‌های توسعه و پروژه‌های شهری با استفاده از روش مشارکت بخش خصوصی و عمومی

سید مصطفی رسولی‌منش ص ۳۶

رشد سریع شهرنشینی و تلاش برای ایجاد کیفیت مطلوب‌تر برای زندگی در سراسر جهان علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه دغدغه‌های فراوانی را برای دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های محلی ایجاد نموده است. افزایش جمعیت شهری پیامدهای گوناگونی را نظیر رشد سکونتگاه‌های غیررسمی و فقر شهری موجب شده و ضرورت ایجاد زیرساخت‌های شهری به‌منظور پاسخ دادن به برخی چالش‌های پیش‌رو و ایجاد زندگی بهتر برای شهروندان، بیش از پیش ملموس و قابل رویت است؛ اما ایجاد این زیرساخت‌ها نیازمند سرمایه فراوان می‌باشد که بعضاً ده‌ها برابر توان موجود در بخش عمومی است، از این رو یافتن شیوه‌های نوین مالی به منظور پاسخ به نیازهای زندگی شهری، کلیدی و حیاتی به شمار می‌رود. مشارکت بخش خصوصی و عمومی روشی است که در طول دو دهه گذشته در بخش‌های مختلف جهان مورد استفاده قرار گرفته و به واسطه آن نتایج و موفقیت‌های قابل توجهی به دست آمده است، در این روش با به‌کارگیری سرمایه‌های بخش خصوصی توان بخش عمومی به‌منظور ارائه خدمات کیفی‌تر و وسیع‌تر به صورت قابل توجهی افزایش می‌یابد؛ در این مقاله سعی بر این است که ابعاد مختلف این روش و ضرورت‌های آن مورد بررسی قرار گیرد.